

رحلت آیت الله بروجردی و مرجعیت امام خمینی در شهرری

✦ حسین کاوشی

چند روز قبل از اعلام فوت آیت الله بروجردی مردم شهرری با آگاهی از بهبودی وضع عمومی ایشان که از سوی پزشکان مخصوص اعلام گشته بود، به شکرانه سلامت کوچه بازار خود را چراغانی کرده بودند اما تقدیر چیز دیگری را رقم زد و رهبر مذهبی شیعیان در ساعت هفت و پنج دقیقه صبح پنجشنبه دهم فروردین سال ۱۳۴۰ رخت از جهان بست. به دنبال پخش این خبر شهر تاریخی و مذهبی ری در سوگ مرجع و رهبر دینی خود در غم و اندوه عمیق فرو رفت و مردم با حزن و اندوه بی سابقه‌ای و با تعطیل کردن کسب و کار خود و پوشیدن لباس عزا عازم قم شدند تا در تشیع جنازه مرجع دینی خود شرکت کنند.

حاج علی اکبر الفت در این مورد چنین می‌گوید: « قبل از اینکه خبر رحلت آیت الله بروجردی به طور رسمی از رادیو پخش شود این خبر از طریق افرادی که در قم بودند به مردم رسید و هنوز صبح زود بود که خبر در تمام شهر پیچید و مثل بمبی شهر را لرزاند. ساعتی بعد کسبه و بازاریان مغازه‌های خود را تعطیل کردند مردم هم دست از کار و فعالیت خود کشیدند و همگی سراسیمه روانه قم شدند، مردم ناراحت بودند و به خاطر نزدیکی شهرری به قم و احترام به مرجع خود دوست داشتند حضوراً در مراسم تشیع جنازه آیت الله بروجردی شرکت کنند. آن روز هر کس وسیله نقلیه داشت مردم را به صورت مجانی به قم می‌بردند. در حوالی میدان شهر ری پارکینگی به نام گاراژ خلیل خان وجود داشت که رفت و آمدها به قم از آنجا صورت می‌گرفت. آن روز آنجا شلوغ‌تر از همه روزها بود و هر لحظه اتوبوس‌های پر از مسافر به طرف قم حرکت می‌کردند، ما توسط یک ماشین سواری رفتیم چون در آن موقع بزرگراهی که تهران را به قم متصل کند وجود نداشت. وقتی به آن جا رسیدیم متوجه توقف اتومبیل‌های زیادی در آن‌جا شدیم مأمورین مانع از عبور سواری‌ها و تاکسی می‌شدند. حدود ساعت ۹/۵ صبح بود که آقای فلسفی با ماشین شخصی خود که یک شورلت بود رسید، از ماشین پیاده شده به متصدی آنجا گفت که: چرا مردم را معطل کردید، متصدی گفت: « ماشین‌های سواری و تاکسی‌ها اجازه عبور ندارند» آقای فلسفی با حالت تندی گفت: چه می‌گوی: «آقا امروز همه مردم کشور عزادار هستند» و سپس تلفن را گرفت و به رئیس شهربانی زنگ زد و بعد مردم به سوی قم حرکت کردند». [۱]

حاج محمد حسین حریری می‌گوید: « بعد از رحلت آیت الله بروجردی مردم شهر ری دسته دسته به طرف گاراژ شهرری سرازیر شدند، جمعیت زیادی بود و همگی ناراحت و نگران بودند در قم بنا بر وابستگی که بین مردم و روحانیون هر شهر وجود داشت مردم شهر ری اکثراً به حساب آشنایی و همشهری بودن در اطراف شیخ عبدالرحیم کنی و شیخ حسین اثنی عشری گرد آمده بودند و جمعیت که از اطراف و اکناف آمده بودند عجیب و غریب و غیر قابل تصور بود، آن روز عکس‌هایی از آیت الله بروجردی پخش می‌شد که در زیر آن به زبان عربی نوشته شده بود «... ان الزمان لمثله العظیم روزگار در پرورش فردی مثل تو عقیم خواهد بود تا چند روز مغازه‌ها و بازار شهرری تعطیل بود». [۲]

پس از رحلت آیت الله بروجردی نخستین سوالی که در ذهن عامه‌ی مردم پدید آمده مسئله‌ی مرجعیت بود و اینکه از این پس چه کسی زعامت شیعیان را برعهده خواهد داشت. در میان شیعه مرسوم است که پس از درگذشت مرجع تقلید، به بلند مرتبه‌ترین مجتهد پس از او اعلام تسلیت گفته می‌شود. رژیم پهلوی که فکر می‌کرد می‌توان با یک حرکت از پیش طراحی شده برای همیشه مرجعیت را از ایران خارج کرده و یک نیروی منتقد دولت و ملجأ مردم را از خود دور نماید، تاهم به تحکیم مبانی حکومت خود و هم اجرای سیاست‌های اقتصادی - سیاسی مورد نظر آمریکایی‌ها بپردازد، بلافاصله پس از رحلت آیت الله بروجردی تلگرافی به آیت الله العظمی محسن حکیم درعراق مخابره کرد و درگذشت آیت الله بروجردی را به ایشان تسلیت گفت، از طرف دیگر مساله تعیین اعلامیت مشکل عمده و مهمی بود که مردم و نیروهای مبارز، بعد از فوت مرحوم بروجردی با آن رو به رو شدند و رژیم نیز به حساسیت این امر در آن برهه از زمان به خوبی پی برده بود.

حاج محمد حسین حریری در این زمینه می‌گوید: «بعد از فوت آیت الله بروجردی رژیم برای اعلام جلوه دادن آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی تلاش زیادی انجام داد، البته نسبت به عالم بودن آنها شکی نبود اما رژیم سوء نیت داشت و با این اقدام قصد خروج مرجعیت را از ایران داشت» [۳]

مجتهدان مطرح شیعه پس از رحلت آیت الله بروجردی (در آغاز دهه چهل) عبارت بودند از: آیات عظام حکیم، شاهرودی، خویی و سید عبدالهادی شیرازی در نجف، گلپایگانی، شریعتمداری، نجفی مرعشی و حاج آقا روح الله خمینی در قم، میلانی در مشهد و خوانساری در تهران. البته حاج آقا روح الله بیشتر به عنوان یک مدرس مطرح بود تا مجتهد. سفر مردم شهرری به قم علاوه بر تاثیرات روحی تاثیرات سیاسی هم به دنبال داشت و مردم در جریان اوضاع و احوال مرجعیت پس از رحلت آیت الله بروجردی قرار گرفتند.

شیخ آقا بزرگکنی مشاهدات خود را در این زمینه چنین روایت می‌کند: «من چون روحانی زاده بودم و با حوزه علمیه و مراجع در ارتباط بودیم به تبع آن در جریان مسائل قرار می‌گرفتم، روز فوت آیت‌الله بروجردی ما در منزل ایشان بودیم. شایع بود که بین امام و آیت الله بروجردی در این اواخر اختلاف نظرهای بوجود آمده بود و امام وقتی درس فلسفه را شروع کردند از طرف آیت الله بروجردی مخالفت‌هایی ابراز می‌شد و ایشان نهی می‌کردند که به طور عمومی مسائل فلسفی و حکمی را نباید شایع کرد زیرا عواقب و تبعات فاسده دارد، آن روز جمعیت به حدی بود که بیم خطر جانی می‌رفت وقتی حاج آقا روح الله آمدند، در آنجا سه پرچم آماده شده بود آقایان ترک‌ها شریعتمداری را در نظر داشتند، قمی‌ها و یک عده از اهالی تهران و شهرری‌ها بیشتر از همه طرفدار آیت الله نجفی مرعشی بودند، اعلام و بزرگان و جمعیت خاصه گردانندگان حوزه نیز نظر به آیت الله گلپایگانی داشتند. آن روز بحث و خبری از حاج آقا روح الله نبود ایشان خودش نیز در وادی نبود و حتی نهی می‌کردند، اما شاگردان حوزه می‌دانستند که دارای چه قدرت علمی هستند و حتی معروف بود که تمام کسانی که در درس حاج آقا روح الله شرکت می‌کردند از زبده‌ترین و نخبه‌ترین افراد حوزه بودند بعداً، به طور طبیعی آنچه را که خدا مقدر کرده بود روشن و برهن گردید و ما نیز تلاش کردیم تا مردم شهرری را بیشتر با ایشان و ابعاد شخصیتی‌تان آشنا کنیم ولی در هر حال مرجعیت و ازدیاد مقلدهای حاج آقا روح الله خواست خدا بود.» [۴]

آیت الله غیوری نیز درباره اوضاع پس از فوت آیت الله بروجردی و مرجعیت امام می گوید: «بعد از فوت مرحوم بروجردی باید مقدماتی فراهم می‌شد تا شخص دیگری زعامت مسلمین را برعهده بگیرد. از طرفی، معمولاً رسم بر این است که پس از فوت یک مرجع، باید اشخاصی که برای مرجعیت مورد نظر هستند، برای مرجع فوت شده مجلسی ختم بگیرند. اما امام حاضر به انجام این کار نشدند و اعتقاد داشتند که دیگران هستند و آنها ختم می‌گیرند، سی و هفت روز از فوت مرحوم بروجردی گذشت و به امام عرض کردیم که همه آقایان و طلاب ختم گرفته‌اند و شما اعلام ختم نکرده‌اید؛ و آن قدر به ایشان فشار آوردیم که بالاخره شب سی و هفتم مجلس ختم گرفتند.

هر چند که شاگردان امام هم خیلی مقدمات این مرجعیت را فراهم نکرده بودند و حتی چاپ حاشیه عروۃ الوثقی با هزار زحمت به گردن ایشان گذاشته شد تا اجازه چاپ آن را دادند. در واقع، خود حضرت امام اجازه فراهم کردن مقدمات را به شاگردانشان نمی‌دادند، شاگردانی که غالب آنها بعد از فوت مرحوم بروجردی مقلد ایشان شده بودند، من نیز چند ماه مقلد مرحوم آیت الله آقای سید عبدالهادی شیرازی شدم و بعد بلافاصله به امام رجوع کردم».[۵]

از مهم‌ترین مقدمات مرجعیت که امام حاضر به انجام آن نمی‌شدند پرداخت شهریه و شرکت کردن مرتب و منظم در ختم‌ها و ترویج و تبلیغ بود. علاقه‌مندان و شاگردان امام نیز از این قضیه سخت ناراحت بودند و برای پرداخت شهریه بر امام فشار می‌آوردند تا این‌که با اصرار و پافشاری بیش از حد ایشان پذیرفتند. آیت الله غیوری در این باره می گوید: «بعد از فوت مرحوم بروجردی باید مقدماتی فراهم می‌شد تا شخص دیگری زعامت مسلمین را برعهده بگیرد. از طرفی معمولاً رسم بر این است که پس از فوت یک مرجع، باید اشخاصی که برای مرجعیت مورد نظر هستند، برای مرجع فوت شده مجلسی ختم بگیرند. اما امام حاضر به انجام این کار نشدند و اعتقاد داشتند که دیگران هستند و آنها ختم می‌گیرند، سی و هفت روز از فوت مرحوم بروجردی گذشت و به امام عرض کردیم که همه آقایان و طلاب ختم گرفته‌اند و شما اعلام ختم نکرده‌اید؛ و آن قدر به ایشان فشار آوردیم که بالاخره شب سی و هفتم مجلس ختم گرفتند.

هر چند که شاگردان امام هم خیلی مقدمات این مرجعیت را فراهم نکرده بودند و حتی چاپ حاشیه عروۃ الوثقی با هزار زحمت به گردن ایشان گذاشته شد تا اجازه چاپ آن را دادند. در واقع، خود حضرت امام اجازه فراهم کردن مقدمات را به شاگردانشان نمی‌دادند، شاگردانی که غالب آنها بعد از فوت مرحوم بروجردی مقلد ایشان شده بودند، من نیز چند ماه مقلد مرحوم آیت الله آقای سید عبدالهادی شیرازی شدم و بعد بلافاصله به امام رجوع کردم».[۶]

اولین شهریه‌ای که امام پرداخت نمود توسط آیت الله غیوری پرداخت گردید، آیت الله مسعودی در این زمینه می‌گوید: بعد از فوت آیت الله بروجردی آقای غیوری به منزل امام آمد و به من گفت پانزده هزار تومان پول در اختیار دارم که

می‌خواهم به عنوان سهم امام به آقا بپردازم، من از این ماجرا خوشحال شدم، چرا که حضرت امام در پاسخ به سوال آقای اشراقی که چرا شهریه نمی‌دهید، فرموده بود پول در اختیار ندارم، ما به اتفاق آقای غیوری، اشراقی و صانعی، خدمت امام رسیدیم و آقای غیوری وجه را تقدیم امام کردند. حضرت امام بی‌درنگ پول‌ها را به ما دادند و فرمودند «این پول‌ها را ببرید و میان طلبه‌ها در حجرات تقسیم کنید و به هر کس پانزده تومان بدهید».

بنده و آقای صانعی پول‌ها را برداشتیم و به تک تک مدارس علمیه رفتیم و به هر طلبه‌ای به میزانی که امام فرموده بودند پرداخت کردیم، بعد خدمت امام بازگشتیم و عرض کردیم، «پول‌ها تمام شده و به تعدادی از طلبه‌ها نرسید!» آقای غیوری وقتی مطلع شدند، پرسید: «چه میزان لازم دارید؟» گفتیم حدود پنج هزار تومان ایشان پنج هزار تومان دیگر آوردند و خدمت امام دادند و ما هم در اختیار بقیه طلاب قرار دادیم و این در واقع نخستین شهریه‌ای بود که حضرت امام پرداخت نمود [۷].

مردم شهر ری پس از رحلت آیت الله بروجردی با مراجعه به روحانیون شهر از آنان خواهان معرفی مرجع بودند در این خصوص حاج عباس عظیمی می‌گوید: «پس از رحلت آیت الله بروجردی تقریباً اکثر شهر ری برای تکلیف به حاج آقا حسین اثنی عشری [۸] رجوع می‌کردند. ایشان از روحانیون مورد احترام شهر ری و از شاگردان شیخ محمد تقی بافقی بودند که مردم را به سید عبدالهادی شیرازی ارجاع می‌دادند» [۹].

حاج تقی جعفری در مورد انتخاب مرجع تقلید بعد از فوت آیت الله بروجردی می‌گوید: «در آن زمان در شهر ری روی سه نفر بحث می‌شد. شیخ ابوطالب حائری و شیخ حسین اثنی عشری مردم ابه سید عبدالهادی شیرازی ارجاع می‌دادند» [۱۰].

به نظر می‌رسد که اکثر اهالی شهر ری پس از درگذشت آیت الله بروجردی به خاطر احترامی که نسبت به آیت الله شیخ حسین اثنی عشری داشته‌اند و این که بیشتر از ایشان کسب تکلیف می‌کردند مقلد آیت الله سید عبدالهادی شیرازی شدند و چون ایشان قبل از فرا رسیدن نخستین سالگرد درگذشت آیت الله بروجردی دارفانی را وداع گفتند مردم شهر ری به مراجع دیگر چون آیت الله مرعشی نجفی، گلپایگانی روی آوردند. با این وجود در دوره پرتلاطم سالهای ۴۱-۴۲ چنان تقدیر رقم خورد که آرام آرام نام حاج آقا روح الله نیز به عنوان مرجعی مسلم مطرح شد.

منابع:

[۱] - مصاحبه با علی اکبر الفت، شهر ری.

[۲] - مصاحبه با محمد حسین حریری، شهر ری.

[۳] - همان.

[۴] - مصاحبه با شیخ آقا بزرگ کنی، شهر ری.

[۵] - غیوری.

[۶] - خاطرات آیت الله غیوری، ص ۲۲۸

[۷] خاطرات آیت الله مسعودی خمینی، تدوین جواد امامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ص ۲۰۳

[۸] حاج حسین اثنی عشری فردی زاهد، مخلص و متعهد بود او برای گذراندن زندگی نه تنها چیزی از کسی

نمی‌گرفت، بلکه در خانه‌ی هیچ کسی حتی یک فنجان آب جوش هم نمی‌خورد، ایشان از شنیدن و دیدن

ناهنجاری‌های اجتماعی و منکرات به شدت عصبانی می‌شد و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار جدی بودند، اگر

با منکری برخورد می‌کرد به شدت با آن مقابله می‌کرد، در مجالس عزاداری هم سخنران بود و هم مرثیه خوان و با

ریاکاری و ریاکاران در مجالس با شدت مبارزه می‌کرد. ک به، محمد مهدی ری شهری، خاطره‌ها، تهران، مرکز اسناد

انقلاب اسلامی ۱۳۸۱، ص ۱۷.

[۹] - مصاحبه با حاج عباس عظیمی، شهر ری، ۱۳۸۷.

[۱۰] - آیت الله غیوری از جمله کسانی بود که پس از فوت آیت الله بروجردی مدتی از سید عبدالهادی شیرازی تقلید

می‌کرد. خاطرات آیت الله غیوری، ص ۵۸.

[۱۱] - مصاحبه با حاج تقی جعفری، شهر ری ۱۳۸۷.